

Elucidation of Public Welfare and Social Security Policies in Facing Global Challenges

Reza Kiani*

Abstract

The welfare and social security system in our time, due to the developments and global conditions, has faced various crises and challenges. For this reason, recognizing the crises and harms of the social security system and adopting policies to deal with those crises are among the important issues in social welfare research. Having a favorable level of social welfare for citizens is considered to be one of the characteristics of a developed society and the result of extensive developments in the development system of countries because this issue plays an important role in the state of benefiting from welfare services and economic security of the entire society. One of the most important scientific sources for understanding the state of social security systems is the reports prepared, compiled and published by the International Union of Social Security. Recently, in a book entitled *"Ten Global Challenges of Social Security"*, this organization has explored and examined the challenges of the social security system on a macro level and proposed policies to deal with that challenge. In this article, in line with this report, the concepts, policies, indicators and criteria mentioned in this important book have been examined and the challenges facing the country's social security system have been presented and examined.

Keywords: Policy, Development, Social Security System, Social Welfare, Pension Funds.

* Assistant Professor of Economics and Demography, National Population Research Institute, Tehran,
Iran, rezakiani@nipr.ac.ir

Date received: 30-09-2022, Date of acceptance: 08-02-2023



ایضاح سیاست‌های رفاه عمومی و تأمین اجتماعی در مواجهه با چالش‌های جهانی

رضا کیانی*

چکیده

نظام رفاه و تأمین اجتماعی در روزگار ما، باتوجه‌به تحولات و شرایط جهانی، با بحران‌ها و چالش‌های متنوع و متعددی روبه‌رو شده است. به همین سبب، شناخت از بحران‌ها و آسیب‌های نظام تأمین اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های مقابله‌ای با آن بحران‌ها از جمله موضوعات مهم و اساسی در مطالعات رفاه اجتماعی قلمداد می‌شود. برخورداری از سطح مطلوبی از رفاه اجتماعی برای شهروندان از خصوصیات جامعه پیشرفته و مولود تحولات گسترده در نظام توسعه کشورهای به حساب می‌آید؛ چراکه این مسئله در وضعیت بهره‌مندی از خدمات رفاهی و امنیت درآمدی آحاد جامعه نقش پررنگی را ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین منابع علمی در خصوص شناخت وضعیت سیستم‌های تأمین اجتماعی گزارش‌هایی است که توسط اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی تهیه، تدوین، و منتشر می‌شود. این نهاد اخیراً در کتابی تحت عنوان ده چالش جهانی تأمین اجتماعی چالش‌های نظام رفاه و تأمین اجتماعی را در سطح کلان موردکاوش و بررسی قرار داده و سیاست‌هایی را در جهت مقابله با آن چالش پیش‌نهاد کرده است. در این نوشتار، کوشش شده است تا هم‌سو با این گزارش مفاهیم، سیاست‌ها، شاخص‌ها، و معیارهای ذکرشده در این کتاب مهم موردمذاقه قرار گیرد و با نظرداشت آن‌ها چالش‌های پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی کشور ارائه و تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، توسعه، نظام تأمین اجتماعی، رفاه اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی.

* استادیار اقتصاد و جمعیت‌شناسی، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور تهران، ایران، rezakiani@nipr.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹



۱. مقدمه

امروزه، برقراری نظام تأمین اجتماعی کارآمد شاخص پیشرفت جوامع در تحقق عدالت اجتماعی شناخته می‌شود (ایمانی ۱۳۷۸: ۸۴). به‌دیگرسخن، توسعه سیاست‌های رفاه اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین محورهای تحقق عدالت اجتماعی است (مسلمی ۱۳۸۴: ۲۴۲). شاید به دلیل همین توجه به مفهوم بنیادی رفاه در کشورهای پیشرفته شاهد سطح بالایی از پوشش‌های بیمه‌ای و حمایتی از اقشار جامعه هستیم.

ازدیگرسوی، با آن‌که تقریباً تمام کشورهای در حال توسعه، نوعی نظام تأمین اجتماعی را اجرایی می‌کنند (تأمین اجتماعی ۱۳۸۴: ۸)، هم‌چنان ناظر سطح مطلوبی از رفاه اجتماعی در این‌گونه کشورها نیستیم و در این خصوص تفاوت‌های عدیده‌ای با کشورهای پیشرفته به‌چشم می‌خورد. باوجوداین، نظام تأمین اجتماعی در روزگار ما، باتوجه‌به تحولات و شرایط جهانی، با بحران‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است، به‌نحوی‌که این نظر که نظام تأمین اجتماعی در سیر تحولات خود به دوران بحران نزدیک شده یا رسیده موردتوافق کارشناسان اجتماعی است (هاسکینز ۱۳۷۸: ۲۰۱). باتوجه‌به این تفاسیر و نظر به اهمیت آن، هر سال گزارش‌های مختلفی درخصوص وضعیت رفاه و تأمین اجتماعی کشورها منتشر می‌شود که گویای توجه به این مفهوم در مقیاس بین‌المللی است. یکی از نهادهای معتبر و قابل‌استنادی که به‌طور متناوب گزارش‌های کاربردی و مهمی را در این زمینه تهیه و منتشر می‌کند «اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی» است. این اتحادیه به‌عنوان نهادی از ارکان سازمان بین‌المللی کار اخیراً در کتابی تحت عنوان *Ten Global challenges for Social Security* به بیان بحران‌های پیش‌روی این نظام رفاهی پرداخته و، ضمن برشمردن ده چالش جهانی، کیفیت و چگونگی تغییرات و تحولات این بحران‌ها را توضیح داده است. هم‌چنین، در این اثر راه‌کارهایی در جهت رفع آن چالش یا برون‌رفت و مواجهه با بحران‌های ذکرشده پیش‌نهاد شده است. در این نوشتار، کوشش شده است تا هم‌سو با این گزارش و با بهره‌مندی از روش اسنادی، مفاهیم و شاخص‌های ذکرشده در این کتاب مهم موردمذاقه قرار گیرد و درنهایت چالش‌های پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی کشور تبیین گردد. مسئله اصلی و پرسش محوری در این پژوهش آن است که بدانیم چه بحران‌هایی سیستم تأمین اجتماعی را نشانه گرفته و باتوجه‌به ده چالشی که اثر موردبررسی اشاره داشته است، چه عوامل و بحران‌های دیگری می‌توان سراغ گرفت که پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی کشورمان قرار دارد.

۲. اهمیت و ضرورت مسئله

نظام تأمین اجتماعی به‌عنوان محور اصلی جامعه مدرن به‌شمار می‌آید (زاهدی اصل ۱۳۸۴: ۲۶۶) که همواره سعی دارد پوشش‌های مطلوبی برای میزان خسارت‌ها و حمایت‌ها به شهروندان در زمان بروز مشکلات و حادثه‌ها ارائه دهد (شبییری نژاد ۱۳۸۴: ۳). از این رو، هرگونه بررسی آثار و گزارش‌های مرتبط با مفهوم و موضوع تأمین اجتماعی در پیوند با حقوق انسان شناخته می‌شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌صراحت لزوم بهره‌مندی انسان‌ها از نوعی نظام تأمین اجتماعی که دربرگیرنده خدمات رفاه اجتماعی هم‌چون بازنشستگی، بی‌کاری، درمان، عائله‌مندی، و ... باشد تأکید فراوان شده است. در ماده ۲۲/ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است:

هرکس به‌عنوان عضوی از اجتماع حق برخورداری از تأمین اجتماعی را دارد و می‌تواند با استفاده از مساعی ملی و همکاری‌های بین‌المللی و در هماهنگی با تشکیلات و منابع کشور خود حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را، که لازمه حفظ کرامت و رشد آزاد شخصیت اوست، به‌دست آورد.

در ماده ۲۵ همین اعلامیه ذکر شده است:

هرکس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تأمین بهداشت و رفاه خود و خانواده خود از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی، و خدمات اجتماعی لازم، و نیز از حق داشتن تأمین در صورت بی‌کاری، بیماری، معلولیت، بیوگی، سال‌خوردگی، و در سایر موارد که به‌عللی خارج از اختیار خود وسایل امرار معاش را از دست داده باشد برخوردار گردد. مادران و کودکان حق دارند از مراقبت‌ها و کمک‌های ویژه برخوردار باشند. همه کودکان، چه بر اثر پیوند زناشویی به‌دنیا آمده باشند و چه غیر آن، از حمایت اجتماعی یک‌سان برخوردار خواهند بود.

بالین‌وصف، سهم اندکی از جمعیت جهان از چنین موهبتی برخوردارند (کیانی ۱۴۰۰: ۱۸۵). طبق برآوردهای سازمان بین‌المللی کار، تنها ۲۷ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۱۲ تحت پوشش نظام‌های جامع تأمین اجتماعی بوده‌اند (سازمان بین‌المللی کار ۱۳۹۴: ۳۵). به‌سختی دیگر، ۷۳ درصد جمعیت جهان (جمعیتی بالغ بر ۵/۲ میلیارد نفر نزدیک به سه‌چهارم جمعیت) از دست‌رسی‌های حمایت اجتماعی فراگیر محروم هستند. براساس گزارش بانک جهانی، «نیمی از جمعیت کشورهای با درآمد کم و متوسط جهان در فقر زندگی می‌کنند و توسط دولت‌های خود به‌اندازه کافی حمایت نمی‌شوند» (World Bank 2014). از این رو، بررسی

همه‌جانبه درخصوص نظام تأمین اجتماعی و مشکلات و موانع پوشش‌های بیمه‌ای برای ارتقای سطوح رفاه اجتماعی از الزامات و ضروریات پژوهش‌های حوزه اجتماعی محسوب می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش و تحقیقات مرتبط

درخصوص موضوع موردپژوهش، مطالعات گسترده‌ای در جهان انجام شده که یا به‌تمامی و یا در بخش‌هایی به مسئله چالش‌های تأمین اجتماعی توجه داشته‌اند که در این‌جا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد:

گزارش‌های منتشرشده توسط سازمان بین‌المللی کار یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده درخصوص مدیریت نظام تأمین اجتماعی در عرصه جهانی است. در گزارش این سازمان (World Social Protection 2017)، بر نقش تأمین اجتماعی در کاهش فقر و نابرابری جوامع و بهبود توسعه فراگیر از طریق تقویت سرمایه انسانی تأکید شده است. این گزارش به تشریح ساختار نظام تأمین اجتماعی، دامنه پوشش، و سطح مزایای آن در جهان می‌پردازد.

در فصل پنجم گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA 2017) تحت عنوان «چشم‌اندازهای جمعیت درحال سال‌مندشدن در آسیا و اقیانوسیه»، به ارتباط توسعه سلامت سال‌مندان و رفاه اجتماعی آنان به‌عنوان چالشی جهانی و مهم اشاره شده است. به‌دلیل آستانه مقاومت کم‌تر سال‌مندان در برابر بیماری‌ها و ارتباط افزایش سن افراد با ابتلا به امراض پرمخاطره، لزوم نظام حمایتی از ضروریات نظام تأمین اجتماعی برای آحاد جامعه، به‌خصوص سال‌مندان، است. آنچه در این گزارش بر آن تأکید شده پوشش خدمات سلامت است و این‌که پوشش بیمه سلامت در کاهش هزینه‌های درمانی برای امراض روحی و جسمی تأثیر جدی خواهد گذاشت. نتیجه‌ای که در این گزارش ارائه شده آن است که پرداخت هزینه‌های درمانی توسط سال‌مندان در افزایش فقر آنان تأثیر زیادی داشته و چنان‌چه پوشش بیمه‌ای گسترده‌ای از خدمات سلامت صورت پذیرد، در کاهش فقر آحاد جامعه تأثیر بزرگی خواهد داشت.

سازمان بین‌المللی کار (ILO 2018) در گزارشی تحت عنوان «برگشت از خصوصی‌سازی، سازوکار پرداخت مستمری: بازگشت به نظام‌های بازنشستگی عمومی در کشورهای اروپای شرقی و آمریکای لاتین» به تجربه شکست‌خورده برخی کشورها (به‌خصوص در حوزه اروپای شرقی و آمریکای لاتین) در گذار از وضعیت مقرری‌بگیری به‌شکل دولتی به مقرری‌بگیری به‌شکل خصوصی پرداخته و متذکر شده است کسوهایی که این راه را تجربه کرده‌اند یا به سیستم گذشته بازگشته یا درحال اصلاح و بازگشت به نظام تأمین اجتماعی دولتی هستند.

نویسندگان این گزارش، با بررسی شواهد موجود در کشورهای مختلف جهان، خصوصی‌سازی صندوق‌های بازنشستگی را (که با خصوصی‌سازی در کشور شیلی آغاز شد) به‌عنوان انتخاب غلط برخی کشورها معرفی کرده که نه تنها کمکی به ارتقای وضعیت معیشت سال‌مندان نداشته، بلکه به سوءاستفاده‌ها و سوءمدیریت‌ها در کاهش امنیت درآمدی منجر شده است. به‌عبارت‌دیگر، نظام رفاه و تأمین اجتماعی از حوزه‌هایی است که ضرورت دارد در آن مدیریتی دولتی و فراگیر، که بالاترین سطح پوشش بیمه‌ای را در نظر گرفته است، برقرار باشد.

به‌غیراز موارد ذکرشده، در پژوهش‌های داخلی مسئله بحران در نظام رفاه و تأمین اجتماعی، به‌خصوص پریشان‌حالی و تلاطم‌های صندوق‌های بازنشستگی، از نگاه منتقدانه و محققانه خالی نبوده و در این خصوص می‌توان پژوهش‌هایی را برشمرد که محقق در بیان چالش‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی یا نظام رفاهی کشور پی‌آمدها و برایندهای مهمی را نشان داده است. در این بخش، به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

شکری (۱۳۷۵) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی در ایران»، ضمن تشریح تاریخچه صندوق‌های بازنشستگی در کشور، سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ گوید که آیا صندوق‌های بازنشستگی، به‌عنوان یک بخش اقتصادی، از کلیه منابع و ذخایر خود جهت بهبود وضعیت عملکردی به‌نحو احسن استفاده کرده است و اگر عملکرد آن‌ها از نظر اقتصادی فاقد کارایی لازم بوده است، دلایل آن عدم کفایت چیست؟ نتیجه‌ای که ایشان در پایان طرح علمی خود ذکر کرده دلالت بر این دارد که از نظر سنجش و قیاس درآمد‌ها و هزینه‌ها وضع سازمان تأمین اجتماعی مساعدتر از سازمان بازنشستگی کشوری است. منشأ چنین ادعایی از نظر وی سهم ۲۷ درصدی کارفرماست که طبق قانون به این سازمان پرداخت می‌شود و تنها ۳ درصد سهم پرداختی مربوط به دولت است. شکری، هم‌چنین هشدار می‌دهد، به‌دلیل گسترش پوشش بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی، در صورت مواجهه با عدم توازن درآمد - هزینه، این صندوق بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود.

روغنی‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «چالش‌های نظام بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران»، با هدف شناخت از کاستی‌های موجود در نظام بازنشستگی، به ذکر بحران‌های موجود در سیستم بازنشستگی ایران پرداخته و خصوصیات این نظام را تشریح و توضیح داده است. این پژوهش‌گر، در پژوهش مذکور، ابتدا چالش‌های نظام بازنشستگی را به دو دسته کلی چالش‌های برون‌سامانه‌ای و چالش‌های درون‌سامانه‌ای تقسیم می‌کند. بدین ترتیب، عدم کفایت در مدیریت صندوق‌های بازنشستگی، کاهش تولید ناخالص داخلی، تأثیر منفی تورم و بازسازی

اقتصادی در منابع صندوق‌ها، و بسته‌شدن سامانه برای ورودی‌های جدید از چالش‌های برون‌سامانه‌ای صندوق‌های بازنشستگی کشور هستند و موضوعاتی چون کم‌رنگ‌بودن عدالت برای مشترکان، کاهش پوشش حمایتی و افزایش نرخ جای‌گزینی، وضعیت سن بازنشستگی، بدهی دولت به صندوق‌ها، افزایش نرخ بیمه، بازدهی‌های مربوط به سرمایه‌گذاری از موضوعات درون‌سامانه‌ای صندوق‌های بازنشستگی محسوب می‌شوند. این محقق نتیجه می‌گیرد صندوق‌های بازنشستگی در ایران با نارسایی‌های برون‌سامانه‌ای ناشی از ماهیت حقوق تعریف‌شده (DB-PAYG) نارسایی‌های ناشی از قوانین و مقررات و نارسایی‌های مدیریتی روبه‌رو هستند.

هادی‌زنوز (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «صندوق‌های بازنشستگی ایران در گذر زمان؛ با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری»، که به‌همت و به‌مدد مؤسسه راه‌بردهای بازنشستگی صبا، نهاد پژوهشی صندوق بازنشستگی کشوری، انجام و منتشر شده به نحوه عملکرد صندوق‌های بازنشستگی بر مبنای تاریخ شکل‌گیری آن‌ها پرداخته است و به شکل مبسوطی به بیان تغییرات ساختاری به‌وجودآمده طی سالیان گذشته در این صندوق‌ها می‌پردازد. موضوع پژوهش مذکور مطالعه شکل‌گیری و تحول در صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۵ و پیش‌بینی تحول وضعیت آن‌ها در آینده، با توجه به چالش‌های موجود و پیش‌روی این صندوق‌ها بر مبنای محاسبات بیمه‌ای، است. نتایج حاصل‌شده از این پژوهش نشان می‌دهد اصلاحات بیمه‌های اجتماعی از قواعد مالی ویژه‌ای پیروی و تبعیت می‌کنند و بدون توجه به عوامل محیطی و محدودیت‌های مالی صندوق‌ها و دولت نمی‌توان نظام‌های بیمه‌ای مؤثر طراحی کرد و انتظار عملکرد پایدار و مساعدی از این نظام‌ها داشت.

۴. معرفی شکلی و محتوایی اثر

ده چالش جهانی تأمین اجتماعی (*Ten Global challenges for Social Security*) در سال ۲۰۱۶ در ۹۲ صفحه منتشر شده است. مؤسسه انتشاردهنده این اثر اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی از سازمان‌های وابسته به سازمان جهانی کار است. ذکر این نکته ضرورت دارد که بدانیم این اتحادیه بین‌المللی در جهت همکاری‌های جهانی در خصوص ایجاد، حمایت، و گسترش نظام تأمین اجتماعی در سراسر دنیا به‌وجود آمده است. این انجمن که پیش‌از این بیمه اجتماعی نام داشت و در سال ۱۹۲۷ در ذیل کنفرانس بین‌المللی کار ایجاد شده بود در سال ۱۹۴۷ به اتحادیه

ابضاح سیاست‌های رفاه عمومی و تأمین اجتماعی ... (رضا کیانی) ۲۸۳

بین‌المللی تأمین اجتماعی تغییر نام داد. ایران از سال ۱۳۳۹ ش به عضویت این نهاد بین‌المللی درآمد و اگرچه در سال ۱۳۶۸ به‌مدت کوتاهی از عضویت این سازمان خارج شد، از سال ۱۳۷۱ تا کنون هم‌چنان عضو فعال آن است. مهم‌ترین وظیفه‌ای که این اتحادیه طی سال‌های اخیر برعهده داشته مبادله اطلاعات و گسترش تجربیات کشورهای عضو و کمک به اعضا درخصوص برگزاری نشست‌های فنی، سمینارها، و پژوهش‌ها در حوزه تأمین اجتماعی است.

در صفحه شناس‌نامه این اثر، نام فرد یا افرادی به‌عنوان نویسنده ذکر نشده است، اما نام گروه توسعه تأمین اجتماعی اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی به‌عنوان مسئول تدوین اثر ذکر شده است. صفحات آغازین اثر مذکور به مقدمه‌ای اختصاص دارد که توسط Hans-Horst Konkolewsky، دبیر کل اتحادیه جهانی تأمین اجتماعی، اختصاص دارد. دبیر کل سازمان مزبور در این مقدمه به اجتناب‌ناپذیر بودن مواجهه تأمین اجتماعی با بحران‌های جهانی اشاره داشته است. توجه به تعهدات تأمین اجتماعی از محورهای اصلی این مقدمه است که به‌اختصار به آن اشاره شده است. ده چالش جهانی تأمین اجتماعی مشتمل بر ده فصل است که هرکدام از فصل‌ها به یکی از مفاهیم چالشی مدنظر اتحادیه جهانی تأمین اجتماعی اختصاص دارد. موضوعات و چالش‌هایی که کتاب ده چالش جهانی تأمین اجتماعی برشمرده عبارت‌اند از: پرکردن شکاف پوشش؛ نابرابری‌ها در طول دوران زندگی؛ سالمندی جمعیت؛ اشتغال کارگران جوان؛ بازار کار و اقتصاد دیجیتال؛ سلامت و مراقبت‌های بلندمدت؛ ریسک‌های جدید، شوک‌ها، و روی‌دادهای جدید؛ حمایت از کارگران مهاجر؛ تحولات تکنولوژیک و انتظارات عمومی بالاتر.

۵. بحث

همان‌طور که قبل‌ازاین اشاره شد، کتاب ده چالش جهانی تأمین اجتماعی اثر مهمی است که مفاهیم و موضوعات چالش‌برانگیز پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی را در روزگار ما روایت کرده است. در این بخش، هرکدام از این بحران‌ها و چالش‌ها به‌تفکیک فصل‌های اثر توصیف و توضیح داده می‌شود:

اولین مفهوم و مسئله مهمی که کتاب ده چالش جهانی تأمین اجتماعی برشمرده بحران پرکردن شکاف پوشش است. نویسندگان اثر مذکور در بسط این مفهوم بر این نکته تأکید داشته‌اند که گسترش این پوشش یک اولویت جهانی است. پیش‌تر اشاره شد پوشش‌های تأمین اجتماعی در جهان وضع مطلوبی ندارند. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار تحت عنوان

World Social Protection Report، تنها ۵۲ درصد شاغلان دارای مزایای سال‌مندی، ۶۱ درصد مزایای درمانی، و ۳۳ درصد مزایای حوادث ناشی از کار را در سال ۲۰۱۴ دارا بوده‌اند (ILO 2014). پیش‌ازین، تصور می‌شد کشورهایی می‌توانند سطح بالایی از پوشش بیمه‌ای را برای شهروندان خود قائل شوند که به سطح مطلوبی از توسعه اقتصادی رسیده باشند، اما نویسندگان این کتاب با شواهدی که بیان داشته‌اند دست رد بر درستی این مطلب زده‌اند. به‌طور نمونه، در این کتاب شواهدی در کشورهای آمریکای جنوبی ذکر شده که با رسمی کردن بازار کار و با استفاده از مکانیسم‌های تأمین مالی شده با مالیات پیشرفت‌های چشم‌گیری در ارتقای این پوشش به‌دست آمده است.

هم‌چنین، باید بر این مطلب غور داشت، اگرچه طی سالیان اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی در افزایش پوشش‌های تأمین اجتماعی به‌خصوص در آفریقا، آمریکا، آسیا، و اقیانوسیه صورت پذیرفته، هم‌چنان قشر عظیمی از جمعیت این بخش از جهان فاقد این عطیه هستند. نویسندگان کتاب مذکور نابرابری در دسترسی به تأمین اجتماعی برای برخی گروه‌های جامعه را پیش‌روی مخاطب می‌گذارند. از جمله شاغلان در اقتصاد غیررسمی، شاغلان مهاجر و کوتاه‌مدت، کارگران روستایی، شاغلان خویش‌فرما، و زنان شاغل از گروه‌های عمده‌ای هستند که شکاف پوششی دارند یا به‌سخن دیگر، عدم بهره‌مندی از چتر حمایتی نظام تأمین اجتماعی را حس می‌کنند. یکی از عمده‌ترین دلایل این نابرابری عدم وجود درآمد ثابت (و در نتیجه پرداخت حق بیمه ثابت) در این‌گونه جمعیت‌هاست. افزایش سطح پوشش، هم برای شاغلان و کارفرمایان و هم برای نهادهای تأمین اجتماعی، امری مهم و ضروری است. ارتقای این شاخص به پایداری مالی نهادهای بیمه‌ای منجر می‌شود که در دوام و قوام سیستم‌های بیمه‌ای نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین راه‌کارهایی که کتاب موردنظر درخصوص رفع شکاف پوشش جمعیت فاقد حمایت‌های تأمین اجتماعی متذکر می‌شود ایجاد نگرش مثبت میان شاغلان و کارفرمایان در مورد ارزش‌ها و فواید سیستم تأمین اجتماعی است. هرچه کارگران و کارفرمایان از محورهای حمایتی تأمین اجتماعی آگاهی داشته باشند و هر اندازه اعتماد و اطمینان بیش‌تری در دریافت خدمات حمایتی در موقع نیاز طرفین فراهم گردد، خلل‌های موجود در پوشش‌های بیمه‌ای محدودتر و افراد بیش‌تری ذیل این مجموعه قرار می‌گیرند. در این خصوص، رصد مداوم سطح پوشش توسط نهادهای مرتبط با هدف پیشرفت در افزایش چتر حمایتی از دیگر راه‌کارهای پیش‌نهاد شده است.

چالش دوم عبارت از نابرابری‌ها در طول دوران زندگی است. امروزه سیستم‌های تأمین اجتماعی با مکانیسم کاهش ریسک و افزایش دسترسی همگانی از ابزارهای مهم دولت‌ها

در جهت کاهش یا رفع نابرابری‌ها در جامعه هستند. نویسندگان این کتاب برای نشان‌دادن اهمیت چنین بهره‌مندی‌ای واژه چتر ایمنی (safety nets) را به کار برده و توضیح داده‌اند جمعیتی که در سایه این چتر قرار دارد از انواع فقر ایمن است. با وجود این، رشد اشتغال غیراستاندارد، تضعیف مقررات کار، رکود رشد دست‌مزد، سطوح بالای بی‌کاری، افزایش سطوح سرمایه سیال، و تغییر الگوی مهاجرت از جمله عواملی است که به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در جامعه منجر می‌شود. نویسندگان اثر مزبور، برای برون‌رفت از چالش نابرابری، افزایش انسجام اجتماعی را مطرح می‌کنند. این عامل با ایجاد ثبات مورد نیاز در امنیت کار و سرمایه‌گذاری و افزایش فضای مولد نقش بی‌بدیلی در کاهش نابرابری‌ها رقم می‌زند. مثالی که در تأیید این مدعا مطرح می‌شود وجود شوک‌های اجتماعی و اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ است که، به‌گواه مؤلفان اثر مذکور، این شوک‌ها در کشورهایی که مداخلات هدف‌مند نظام تأمین اجتماعی را دارا بوده‌اند کم‌ترین تبعات را داشته است. در این کشورها، بر اثر وجود نظام اجتماعی حاصل‌شده، ریسک‌ها کنترل شدند و به تسریع بازاریابی اقتصادی کمک شده است.

در این میان، آنچه اهمیت دارد لزوم ارتقای سهم زنان در بهره‌مندی از مواهب این چتر حمایتی است. به‌گواه اثر مذکور، بهبود حضور زنان در برنامه‌های تأمین اجتماعی فرصتی مغتنم برای تحقق‌بخشیدن به هدف تأمین اجتماعی برای همه است که توجه بدان ضروری می‌نماید.

عنوان چالش سوم سال‌مندی جمعیت است. می‌دانیم جمعیت جهان به سمت سال‌مندی پیش می‌رود. اگر در سال ۲۰۱۵ تعداد افراد بالای شصت سال ۹۰۱ میلیون نفر بوده است، پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۲٫۱ میلیارد نفر افزایش یابد (ISSA 2016: 21). نسبت وابستگی به معنای نسبت افراد سال‌مند به جمعیت واقع در سن کار (پانزده-۶۴) در سال ۲۰۱۵ به ۲۸ درصد رسیده که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ به ۵۱ درصد افزایش یابد. بدیهی است این‌گونه تغییرات بر وضعیت رفاه و تأمین اجتماعی جوامع نیز اثرگذار باشد (کیانی ۱۴۰۰: ۱۴۴).

سال‌مندی جمعیت منجر به کاهش نسبی حق بیمه‌ها و افزایش هزینه‌ها می‌شود. به‌علاوه، برای حفظ سطح تولیدات اقتصاد ملی، کاهش نسبت افراد در سن کار باید با افزایش بهره‌وری و افزایش سطح مشارکت نیروی کار رسمی جبران شود (اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی ۱۳۹۷: ۱۹).

حقیقت مهم این‌که هم‌اکنون نیز سهم پوشش بیمه‌ای و حمایتی سال‌مندان در بعضی از بخش‌ها و مناطق جهان بسنده نیست. به‌طور میانگین، ۶۸ درصد جمعیت سال‌مندان جهان

تحت پوشش نوعی خدمات مقرری بگیری قرار دارند و سهم قابل توجهی نیز از این خدمات بی‌بهره‌اند. کشورهای واقع در منطقه آمریکای شمالی، شمال، مرکز، و غرب اروپا، اروپا و آسیای میانه، شرق اروپا دارای پوشش بالای ۹۰ درصد هستند. در مقابل، در مناطق آفریقا، کشورهای عربی، جنوب آسیا و آفریقا این شاخص زیر ۲۵ درصد است. به‌سختی دیگر، در این مناطق بیش از ۷۵ درصد یا چیزی بیش از چهارپنجم از جمعیت سال‌مندان نوعی مقرری‌بگیری، چه به‌صورت بیمه‌ای و چه به‌صورت حمایتی، ندارند. باین‌وصف، ذکر این نکته ضرورت دارد، اگرچه نسبت‌های پوشش مؤثر مقرری‌بگیری سال‌مندان ناکافی است، طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی در جهان در جهت بهبود این روند صورت پذیرفته است (کیانی ۱۴۰۰: ۱۸۵).

نویسندگان کتاب ده چالش جهانی تأمین اجتماعی توجه نهادهای تأمین اجتماعی را به موضوع نرخ باروری جلب کرده و، با توجه به این‌که یکی از خصوصیات کشورهای دارای جمعیت سال‌مند نرخ باوری پایین است، اشعار داشته‌اند نظام‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی در جهان باید از سیاست‌های افزایش باروری حمایت کنند. نهادهای تأمین اجتماعی در کنار دولت‌ها نقش مهمی در کنترل تغییرات جمعیتی دارند و در خصوص سال‌مندی در جامعه به سیاست‌گذاری به‌شکل بلندمدت و واقع‌بینانه ملزم‌اند. طبیعی است در چنین شرایطی حمایت از تشکیل خانواده و فرزندآوری راه‌کارهایی برای مقابله با پی‌آمدهای سال‌مندی در تأمین اجتماعی قلمداد گردد.

چهارمین چالش جهانی تأمین اجتماعی اشتغال کارگران جوان ذکر شده است. در فضایی که ۴۰ درصد بی‌کاران در جهان را جوانان تشکیل می‌دهند، توجه به موضوعی چون اشتغال جوانان از مفاهیم مهم نظام تأمین اجتماعی در بستر جهانی است.

براساس گزارش ISSA در سال ۲۰۱۶ بیش از ۷۱ میلیون نفر از جوانان پانزده تا ۲۴ ساله بی‌کار و در جست‌وجوی شغل مناسب بوده‌اند. آمارها گواه این است دوپنجم کارگران جوان در سطح جهانی شغل شایسته‌ای ندارند! (اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی ۱۳۹۷: ۲۶). نتیجه چنین رخدادی تغییر حوزه اشتغال جوانان از اقتصاد رسمی به اقتصاد غیررسمی است. این مسئله سبب عدم برخورداری این گروه از جمعیت از پوشش‌های تأمین اجتماعی در سطح جامعه می‌شود. آنچه در این خصوص ضرورت دارد تغییر رویکرد تأمین اجتماعی از نهادی صرفاً ارائه‌دهنده خدمات حمایتی و پوشش‌های بیمه‌ای است. پیش‌نهادی که در این خصوص مطرح گردیده افزایش نقش تأمین اجتماعی در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص در ارتقای

نهادهای تحصیلی و آموزشی و تقویت مراکز اشتغال عمومی، است. کارگران جوان موقعیت شغلی مطلوبی ندارند؛ چون آموزش کافی ندیده‌اند یا توسط مراکز معتبری خدمات شغل‌یابی مؤثری دریافت نمی‌دارند. از مهم‌ترین رویکردهای حمایتی درخصوص چالش چهارم بهبود سیستم کارآموزی هم‌گام با نظام تحصیلی و آموزشی است. در این سیستم، گذار افراد از آموزش به اشتغال روی می‌دهد و کمک می‌کند تجارب و مهارت‌های مؤثری برای جوانان ایجاد شود.

پنجمین موضوع و مفهوم چالش برانگیز مسئله بازارهای کار و اقتصاد دیجیتال است. جهان امروز ما در حال دگرگونی و تحولات وسیع است و به تبع آن بازارهای کاری نیز دست‌خوش تغییرات گسترده قرار گرفته است. یکی از ضرورت‌های تأمین اجتماعی انطباق با این تبدل و تطور است. چالش پنجم زمانی رخ می‌نماید که این انطباق روی نمی‌دهد. این چالش ناظر بر تحولات و تغییرات، به‌خصوص ظهور موضوعات نو و تازه، در فعالیت‌های اقتصادی است. داده‌های ارائه‌شده در کتاب دورنما و آینده بازار کار را برایمان مشخص می‌کند. براساس این آمار، ۶۵ درصد از کودکانی که امروز دوران ابتدایی مدرسه را می‌گذرانند در مشاغل کار خواهند کرد که هنوز وجود ندارد. هم‌اکنون نیز، ۴۵ درصد فعالیت‌های کاری امکان ارائه به‌صورت خودکار را دارند (همان: ۳۸). نتیجه‌ای که از این مدلول عایدمان می‌شود آن است که نظام تأمین اجتماعی اگر بخواهد به‌عنوان نهادی مؤثر در بازار کار آینده شناخته شود، باید بیش‌ترین انطباق را با بازارهای شغلی جدید ایجاد کند.

اقتصاد دیجیتال محصول روزگار ماست و طبیعتاً رویکرد و مختصات تأمین اجتماعی خاص خود را اقتضا می‌کند. این شرایط اصول بنیادین نظام تأمین اجتماعی سنتی و مفاهیم به‌ظاهر تغییرناپذیر را با چالش روبه‌رو می‌سازد. فضای کاری جدید می‌تواند بدون توجه به رابطه عرفی کارگری - کارفرمایی حرکت کند و قسمی نوین از سیستم خویش‌فرمایی را تشکیل دهد. بنابراین، اولویت تأمین اجتماعی در این‌گونه موارد تدوین نظام حقوقی به‌روزرسانی‌شده، منطبق بر روابط کاری تازه، است. مؤلفان این کتاب تجربه تأمین اجتماعی سوئد را برای خدمات رانندگان تاکسی مبتنی بر نرم‌افزار (اپلیکیشن) پیش‌روی خوانندگان قرار داده‌اند. بر این اساس، در سوئد بیمه اجتماعی این‌گونه رانندگان، حسب موارد قانونی جدید تدوین شده، به‌صورت خویش‌فرما نبوده، بلکه به‌عنوان کارفرما در نظر گرفته شده‌اند. مواردی از این دست می‌تواند در انطباق تأمین اجتماعی با گروه‌های شغلی جدید راه‌گشا باشد.

مفهوم ششم سلامت و مراقبت‌های بلندمدت است. افزایش امید زندگی به ما نشان می‌دهد که سلامت عمومی در حال ارتقا است. با وجود این، نابرابری در دست‌یابی به پیشرفت‌های حوزه

سلامت در بین نظام رفاهی کشورها هم‌چنان مشهود است. درست است که امروزه افراد تعداد سال‌های بیش‌تری عمر می‌کنند، اما تا این‌که تمامی آنان در وضعیت سلامت مناسبی قرار داشته باشند هنوز فاصله بسیار وجود دارد. این مسئله حاکی از این است که آهنگ رشد امید زندگی توأم با سلامتی آهسته‌تر از امید زندگی عادی است. چالش در سلامت افراد چالش مهمی است که بی‌توجهی به آن پی‌آمدهای ناگواری را موجب می‌شود. بر کسی پوشیده نیست ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی و عدم پوشش‌های لازم که به افزایش فقر و بی‌عدالتی منجر گردد، بحران ذکر شده را دوچندان می‌کند. از این‌رو، ضرورت دارد واکنش‌های سیاستی کاربردی در تأمین اجتماعی کشورها تقویت گردد. در کتاب مورد مطالعه، سه راه‌کار در جهت به‌حداقل رساندن مخاطرات این چالش ذکر شده و الزام رعایت آن را برای نظام تأمین اجتماعی کشورها مهم بر شمرده است: اولین نکته آن‌که نظام تأمین اجتماعی باید نقش خود را در ارتقای سلامت محیط کسب و کار پررنگ‌تر کند. هرچه ایمنی محیط کار افزایش یابد، مخاطرات شغلی و آسیب‌های انسانی کاهش می‌یابد. در این صورت، هزینه‌هایی که صرف طول درمان و ازکارافتادگی افراد می‌شود به بازنشستگی افراد اختصاص می‌یابد. دومین نکته مهمی که نظام تأمین اجتماعی باید رعایت کند انجام معاینات دوره‌ای سلامت برای شاغلان است. غربال‌گری فرصتی را فراهم می‌کند تا ضمن حفظ شاغلان مخاطرات سلامت به‌حداقل برسد و با ارائه مشاوره‌های بهداشتی میزان سلامت افراد بهبود یابد. سومین نکته توجه به موضوع بهداشت روان و سلامت روانی است. وجود مشکلات روحی و روانی پی‌آمدهای ناگواری بر روی سلامت افراد ایجاد می‌کند. هم‌چنین، این دسته از بیماری‌ها، به دلیل مزمن شدن و طولانی شدن روند درمان، معمولاً هزینه‌های سنگینی را ایجاد می‌کنند. از این‌رو، ضرورت دارد، در جهت مراقبت‌های بلندمدت مؤثر، پرونده‌های سلامت روانی شاغلان، به‌خصوص در معاینات ادواری، مورد توجه قرار گیرند.

عنوان مفهوم چالشی هفتم ریسک‌های جدید، شوک‌ها، و حوادث شدید است. نظام‌های تأمین اجتماعی اغلب در معرض حوادث شدید پیش‌بینی‌ناپذیر، شوک‌های اقتصادی و سیاسی، و مخاطرات محیط‌زیستی قرار دارند. نویسندگان کتاب ده چالش جهانی تأمین اجتماعی بحران‌های مرتبط با چالش هفتم را در تأمین اجتماعی این‌گونه بر شمرده‌اند: تداوم ناپایداری اقتصادی، افزایش ازدست‌دادن شغل، سطوح بالای بی‌کاری، نرخ‌های پایین رشد دست‌مزد، افزایش نابرابری‌ها، محدودیت‌های مالی، و در نهایت سال‌مند شدن جمعیت. به عبارت دیگر، ریسک‌های جدید می‌توانند این عوامل را در قبال تأمین اجتماعی تحت تأثیر قرار دهند. موفقیت

و توفیق نظام تأمین اجتماعی وابسته به آمادگی و قابلیت آن در برابر ریسک‌ها و شوک‌های آنی است. در این خصوص، آنچه حائز اهمیت است شناسایی این‌گونه بحران‌ها و پیش‌بینی سناریوهای مختلف با هدف افزایش تاب‌آوری سازمانی است.

چالش هشتم حمایت از کارگران مهاجر ذکر شده است. می‌دانیم کارگران از ارکان اصلی نظام تأمین اجتماعی محسوب می‌شوند که توجه به آن از اصول و ضروریات این نظام است. در این میان اما کارگران مهاجر اهمیت بیش‌تری برای تأمین اجتماعی دارند؛ زیرا این گروه از کارگران، ضمن مواجهه با چالش‌های اشتغال، در معرض آسیب‌های مهاجرت نیز قرار دارند. به عبارت روشن‌تر، کارگران مهاجر آسیب‌پذیرتر از کارگران عادی هستند و طبیعتاً توجه بیش‌تری را می‌طلبند. اصولاً اشتغال و مهاجرت ارتباطی تنگاتنگ با یک‌دیگر دارند. آمارهای جهانی گویای این واقعیت است که ۷۲ درصد مهاجران را جمعیت واقع در سن کار تشکیل می‌دهد. اصولاً یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی است. این درحالی است که تعداد کارگران مهاجر در جهان روزبه‌روز در حال افزایش است. اگر در سال ۲۰۰۰ تعداد کارگران مهاجر ۱۷۳ میلیون نفر بوده است این تعداد در سال ۲۰۱۵ بالغ‌بر ۲۴۴ میلیون نفر افزایش یافته است (اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی ۱۳۹۷: ۵۸). نظام تأمین اجتماعی باید امکان خدمات رفاهی برای این قشر از جمعیت کارگر را فراهم آورد. اموری هم چون «محاسبه مزایا» و «قابلیت انتقال سوابق» دو موضوع بسیار مهمی است که در کنار سایر پوشش‌ها برای کارگران مهاجر اهمیت فوق‌العاده دارد. گسترش سیستم فناوری اطلاعات و عقد توافق‌نامه‌های دوجانبه میان کشورهای از سیاست‌های راه‌بردی پیش‌روی سازمان‌های تأمین اجتماعی است که در اثر مزبور پیش‌نهاد شده است.

تحولات تکنولوژیک مفهوم دیگری است که در اثر مذکور به‌عنوان چالشی برای نظام تأمین اجتماعی معرفی شده است. در جهان ما، تحولات تکنولوژیک به‌شکل قابل‌توجهی افزایش یافته است و در کنار آن افراد استفاده‌کننده از ابعاد تکنولوژی نیز در حال افزایش هستند. این مسئله سبب شده نهادهای دولتی بخش اعظمی از خدمات خود را به‌صورت برخط ارائه کنند. سازمان‌های تأمین اجتماعی نیز از این شرایط مستثنا نیستند. نظام‌های تأمین اجتماعی در بستر نوآوری‌های تکنولوژیک می‌توانند داده‌های جمعیت‌شناختی، پرداخت‌های حق بیمه‌ای، مجموع مزایای دریافت‌شده، و داده‌های پزشکی را رصد کنند. استفاده از این‌گونه نوآوری‌های علمی فواید بسیاری برای تأمین اجتماعی فراهم کرده است. فناوری اطلاعات مبنایی برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات بیمه‌ای است. هم‌چنین، این ابزار در کشف فرارهای بیمه‌ای و یافتن تقلب سودمندی‌های فراوانی دارد.

عنوان چالش دهم مفهوم افزایش انتظارات عمومی است. بر این اساس، مشتری‌محوری محور اساسی کارکرد تأمین اجتماعی شناخته می‌شود. به تعبیر نویسندگان کتاب، سازمان‌های تأمین اجتماعی چهره دولت‌ها، به خصوص در طول بحران‌ها، به حساب می‌آیند. بنابراین، چگونگی ارائه خدمات تأمین اجتماعی به افراد آسیب‌دیده بیش‌ازپیش مهم جلوه می‌کند. از سوی دیگر، درک انتظارات و فهم حقوق افراد از تأمین اجتماعی افزایش یافته است. شرکای تأمین اجتماعی توقع دارند فرایندهای اداری و خدماتی این سازمان‌ها تسهیل یابد. آن‌ها میل‌اند ارتقای فرایندهای اجرایی در سازمان تأمین اجتماعی به‌نحو چشم‌گیری ارتقا پیدا کند. توجه به افکار عمومی جامعه از جمله ضروریات تأمین اجتماعی است و این‌گونه سازمان‌ها با نشان‌دادن اقداماتی به مشتریان خود تعالی و توسعه خود را نشان می‌دهند. یکی از موضوعات مهمی که در پاس‌داشت انتظارات عمومی موردنظر نویسندگان کتاب بوده است دقت در عملکرد کارکنان در نحوه ارائه خدمات است. کارکنان، به‌عنوان مهم‌ترین بخش سازمان، می‌توانند تأثیرات مطلوبی در مشتری‌های سازمان داشته باشند و توقعات عمومی را ارضا کنند.

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش‌رو، کوشش شد تا با مذاقه در اثر موردبررسی تصویر درستی از وضعیت چالش‌های فراروی نظام تأمین اجتماعی و ویژگی‌های آن ارائه شود. کشور ما، ایران، در حال حاضر عضو هیئت‌مدیره اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی است و طبیعی است کم یا زیاد با بحران‌ها و چالش‌های مطرح‌شده در این اثر، که شرایط دوران ما را برای کشورهای عضو ترسیم کرده، روبه‌روست.

تقریباً تمامی مفاهیم و موضوعات ذکرشده از دغدغه‌های اصلی پیش‌روی نظام رفاه و تأمین اجتماعی ایران است که چاره‌جویی درخصوص آن‌ها از الزامات نظام تأمین اجتماعی است. باین‌وصف، ساختار تأمین اجتماعی در کشورمان با مشکلات و دشواری‌های دیگری نیز روبه‌روست که می‌توان از آن به‌عنوان بحران‌های بومی و داخلی یاد کرد. این بحران‌ها، اگرچه جنبه جهانی ندارند، اما به‌شدت بر سیستم رفاه اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی کشور فشار و بر آن آسیب وارد می‌کنند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که بی‌توجهی به بحران‌های بومی و داخلی می‌تواند چالش‌های تأمین اجتماعی را مضاعف سازد. پیش‌ازاین، ده چالش جهانی تأمین اجتماعی بیان گردید، اما می‌توان نکات و مشکلات دیگری را بدان افزود که درکنار آن موضوعات ذکرشده پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی کشور قرار دارد. این مشکلات عبارت‌اند از:

ابضاح سیاست‌های رفاه عمومی و تأمین اجتماعی ... (رضا کیانی) ۲۹۱

عدم گسترش دامنه پوشش بیمه‌ای به گروه‌های جدید؛ وجود بازار غیررسمی و موقتی؛ افزایش یک‌باره هزینه‌های درمانی، به‌خصوص در طرح تحول نظام سلامت و بار مالی ناشی از آن؛ پایین بودن سطح دست‌مزدها در کشور؛ فرارهای مربوط به پرداخت حق بیمه کارفرمایی توسط برخی از کارفرمایان؛ وجود تورم؛ عدم ثبات مالی و رکود اقتصادی؛ تصویب و اجرای برنامه‌ها، مقررات، و فرایندهای خارج از ضوابط و قوائد نظام بیمه‌ای و علم آکچوئری؛ عدم پرداخت به‌موقع مطالبات صندوق‌ها از سوی دولت و سایر نهادهای عمومی؛ مداخله دولت و مجلس در مدیریت صندوق‌های بازنشستگی؛ واگذاری شرکت‌های زیان‌ده و کم‌بازده به صندوق‌ها در مقابل بخشی از بدهی‌های دولتی؛ هم‌سان‌سازی مستمری‌ها بدون توجه به هم‌سان‌سازی پرداخت‌ها؛ ضعف در ساختار برنامه و نظام بودجه‌بندی و بنگاه‌داری و ضعف نظام سرمایه‌گذاری.

کتاب‌نامه

- روغنی‌زاده، مصطفی (۱۳۸۷)، «چالش‌های نظام بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه تأمین اجتماعی، س ۹، پیاپی ۲۹.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۸۴)، اصول و مبانی تأمین اجتماعی، مؤسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه، تهران: علمی و فرهنگی.
- شیرینی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، «تداخل در هدف‌ها و منابع»، فصل‌نامه تأمین اجتماعی، س ۷، پیاپی ۲۰.
- شکری، علی (۱۳۷۵)، ارزیابی اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی در ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، اصفهان: گویا.
- کیانی، رضا (۱۴۰۰)، «کندوکاوی در وضعیت پوشش مستمری بیمه‌ای و خدمات حمایتی سال‌مندان در جهان»، بیمه سلامت ایران، دوره ۴، ش ۳.
- کیانی، رضا (۱۴۰۰)، «وضعیت پوشش صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای حمایتی از سال‌مندان در ایران»، بیمه سلامت ایران، دوره ۴، ش ۲.
- مریدی، سیاوش (۱۳۷۸)، فرهنگ بیمه اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی تأمین اجتماعی.
- مسلمی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، «شناخت جامعه روستایی ایران از دیدگاه تأمین اجتماعی»، فصل‌نامه تأمین اجتماعی، س ۷، پیاپی ۲۰.
- موحد، محمدعلی (۱۳۹۰)، در خانه اگر کس است: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن، تهران: کارنامه.

هادی‌زنوز، بهروز (۱۳۹۶)، *صندوق‌های بازنشستگی ایران در گذر زمان با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی کشوری*، تهران: طرح نقد و مؤسسه راه‌بردی بازنشستگی صبا.

هاسکینز، دالمر دی. (۱۳۷۸)، «طرحی نو برای تأمین اجتماعی»، ترجمه علی شادروح، فصل‌نامه تأمین اجتماعی، ش ۲.

ILO (1998), ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, Geneva.

ILO (2013), "Recurrent Discussion on Social Dialogue under the ILO Declaration on Social Justice for a Fair Globalization", International Labour Conference, 102nd Session, Geneva.

ILO (2015), "World Social Protection Report 2014-15: Building Economic Recovery", Inclusive Development and Social Justice, International Labour Office Geneva.

ILO (2018), "Reversing Pension Privatization: Rebuilding Public Pension Systems in Eastern European and Latin American Countries".

ILO (2019), "World Social Protection Report 2017-19: Universal Social Protection to Achieve the Sustainable Development Goal", International Labour Office Geneva.

International Social Security Association (ISSA) (2016), *Ten Global Challenges for Social Security*, Geneva.

UNFPA (2017), "Perspectives on Population Ageing Report, UNFPA Asia and the Pacific Regional Office", Bangkok, Thailand.

World Bank (2014), "World Development Indicators", Available at:

<<http://www.data.Worldbank.org/datacatalog/world-development-indicators>>.

World Bank Pensions Data (2014), Available at:

<<http://www.web.Worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/TOPICS/EXTSOCIALPROTECTION/EXTPENSIONS/0,contentMDK:23231994-menuPK:8874064-pagePK:148956-piPK:216618-theSitePK>>.